

جمع و تدوین قرآن

محمد سپهری^۱

چکیده

قرآن کریم به دو نزول دفعی و تدریجی در مدت بیست و سه سال رسالت پیغمبر اکرم (ص) به وسیله جبرئیل بر آن حضرت نازل شد. رسول خدا (ص) پس از دریافت وحی آیات نازل شده را به مسلمانان ابلاغ نموده سپس به کاتبان وحی املاء می فرمود تا هر آیه و سوره‌ای را زیر نظر آن گرامی در محل خود قرار دهند. پرسش تحقیق این است که قرآنی که هم اکنون در دست مسلمانان است، در چه زمانی بدین شکل تدوین و جمع‌آوری شده است؟ نویسنده با مراجعه به منابع شیعه و اهل سنت، و با استناد به دلایل و شواهد تاریخی بر این عقیده است که: قرآن در عهد پیغمبر اکرم (ص) و زیر نظر و با مراقبت و اشراف دقیق آن گرامی به صورت کنونی جمع‌آوری شده است.

کلید واژه‌ها

رسول خدا (ص)، قرآن، صحابه، خلفای نخستین، مصاحف

مقدمه

قرآن کریم منبع نخستین اصول و مبانی تعلیمات اسلامی و نیز کتاب آسمانی، و معجزه

جاودانی پیغمبر اکرم (ص) است. امت مسلمان اهمیت ورزیدن به این کتاب، تلاوت، حفظ و عمل به احکام، تعالیم و دستورات آن را از شخص رسول خدا (ص) آموخته‌اند. قرآن از نخستین لحظه‌های نزول تا کنون، همواره از جنبه‌های مختلف مورد توجه و عنایت ویژه دانشمندان و مفسران مسلمان و بلکه توده‌های مردمی دین‌دار بوده و هست. یکی از عمده‌ترین مباحث پیرامون قرآن، تاریخ و چگونگی جمع و تدوین آن است. در این باره دو دیدگاه عمده وجود دارد: دانشمندان اهل سنت با بیان داستانی از کشته شدن شماری از قاریان و حافظان قرآن در جنگهای موسوم به ارتداد، در منطقه یمامه بر این عقیده‌اند که زید بن ثابت انصاری در روزگار خلافت ابوبکر، به پیشنهاد عمر بن خطاب و تصویب خلیفه نخست، قرآن را که تا آن زمان در سینه مردان و شاخه‌های خرما و استخوان شانه گوسفندان و ... پراکنده بود، جمع‌آوری و تدوین کرد.

دیدگاه دوم بر این است که قرآن کریم در عصر رسالت و زیر نظر مستقیم رسول خدا (ص) جمع‌آوری و تدوین شده است. این گروه ضمن رد دیدگاه نخست، با شمارش دلایلی به اثبات دیدگاه خود پرداخته‌اند. چنان که شماری زیاد از یاران پیغمبر (ص) علاوه بر حفظ همه یا بخشهایی از قرآن، مصاحفی از آن را برای خود نوشته بودند که البته از نظر کامل بودن و نیز بیان برخی تفسیرها و شأن نزول شماری از آیه‌ها و سوره‌ها و ترتیب نزولی آن با هم تفاوتهایی داشت؛ برخی نسخه‌ها کامل و به تأیید پیامبر (ص) رسیده و در جای خود محفوظ بود.

نگارنده بر آن است تا ضمن طرح دیدگاه نخست و بررسی دلایل صاحبان این نظر، به بررسی دیدگاه دوم و دلایل آنان در جمع و تدوین قرآن در عصر پیغمبر (ص) پرداخته دیدگاه منتخب را با استناد به آیات، احادیث و روایات و متون تاریخی بیان کند.

جمع و تدوین قرآن

چنان که اشاره شد، در میان دانشمندان مسلمان دو دیدگاه در خصوص جمع و تدوین

قرآن کریم و چگونگی انجام آن وجود دارد. در اینجا با استناد به منابع مهم، هر دو دیدگاه را مطرح و دلایل و شواهد هر کدام را به اختصار مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.

الف. جمع و تدوین قرآن در روزگار ابوبکر

صاحبان و طرفداران این دیدگاه، نظر خود را با استناد به یک واقعه تاریخی بیان می‌کنند که مشروح آن در منابع عمده مکتب خلافت آمده و مفصل‌ترین روایت آن را بخاری در کتاب صحیح خود (۵۸۱/۶) نقل نموده است. بر حسب این روایت، زید بن ثابت که انجام این مأموریت را به دستور خلیفه اول بر عهده داشته، می‌گوید:

«ابوبکر هنگام جنگ یمامه مرا فراخواند، دیدم عمر بن خطاب هم نزد او است، پس ابوبکر گفت: عمر به نزد آمد و گفت: کشتار قراء قرآن شدت یافته و من می‌ترسم که کشتار قاریان در جاهای دیگر هم واقع شود و در نتیجه قسمت زیادی از قرآن از بین برود، به نظر من تو به جمع کردن قرآن امر کن. به عمر گفتم: چگونه کاری که پیغمبر (ص) نکرد، ما انجام دهیم؟! عمر گفت: به خدا! این کار خیر است. آن گاه پیوسته در این باره با من گفتگو کرد تا این که خداوند سینه‌ام را برای این اقدام باز فرمود، و من نیز رأی و نظر عمر را یافتم. زید می‌گوید: ابوبکر خطاب به من گفت: تو جوان عاقلی هستی اتهامی نزد ما نداری، وحی را هم در خدمت رسول خدا (ص) می‌نوشتی، پس قرآن را جستجو کن و آن را جمع‌آوری نما. به خدا قسم اگر به من تکلیف می‌کردند که کوهی را جابه‌جا کنم از این سنگین‌تر نبود که به من جمع‌آوری قرآن را امر کرد؛ گفتم: چگونه کاری که پیغمبر (ص) نکرده بود انجام می‌دهید! گفت: این کار به خدا قسم خیر است. پس پیوسته ابوبکر در این باره با من سخن گفت تا این که خداوند سینه‌ام را مانند سینه ابوبکر و عمر برای این کار فراخ گردانید. آن گاه به جستجوی قرآن پرداختم و آن را از نوشته‌های بر چوب‌های درخت خرما (=عسب) و سنگهای نازک (=لخاف) و سینه‌مردها جمع‌آوری نمودم، از لقد جاءکم رسول... تا آخر برائت. پس این نوشته‌ها نزد ابوبکر بود تا این که خداوند مرگش

را رسانید، سپس تا عمر زنده بود نزد او بود، و سپس نزد حفصه دختر عمر.» (بخاری، فضائل القرآن، باب ۴۳، ۵۸۱/۶؛ ابن سعد، ۳(قسم ۱)/۲۰۱).

هر چند به عقیده برخی پژوهشگران معاصر از جمله محمود رامیار (تاریخ قرآن، ۳۰۴-۳۰۵) این روایت معتبرترین روایتی است که در خصوص جمع و تدوین قرآن در روزگار خلافت ابوبکر رسیده است اما علاوه بر آن که بسیاری از جزئیات واقعه را بازگو نکرده و شماری مباحث جای حرف و حدیث دارد، با روایات دیگری در این باره تناقض جدی و آشکار دارد. فی‌المثل در روایتی که طبری از قول پسر زید بن ثابت آورده، ابوبکر در این باره به تصمیم قطعی نرسیده و در انجام این کار تردید دارد. او تصمیم نهایی را به زید واگذار می‌کند (همو، ۳۰۵). فضل بن شاذان از نخستین محققانی است که در قرون متقدم به این تناقض روایات پی برده و خطاب به صاحبان این دیدگاه و عالمان مکتب خلافت به گونه‌ای عتاب‌آمیز می‌گوید: «شما روایت کرده‌اید که قرآن را در زمان رسول خدا (ص)، شش نفر جمع کردند که همگی از انصار بودند و کسی غیر از اینان قرآنی را حفظ نکرد؛ بار دیگر روایت کرده‌اید که احدی قرآن را حفظ نکرد، بار دیگر روایت کرده‌اید که احدی از خلفا جز عثمان قرآن را جمع نکرد...» (فضل بن شاذان، ۲۲۲).

سید جعفر مرتضی‌عاملی در نقد روایت بخاری، با اشاره به دلایل خود در باره تدوین قرآن در عصر رسول اکرم (ص) که به هنگام بحث از دیدگاه دوم در ادامه همین مقاله خواهد آمد، آنها را در اثبات نادرستی این روایت و روایات مشابه آن کافی می‌داند. وی می‌گوید: «اولاً روایات زید و روایات مشابه آن مدعی است که حداقل بخشی از قرآن به شهادت یک نفر (ذوالشهادتین) و یا دو نفر به عنوان قرآن اثبات شده است. این ادعای خطرناکی است و باطل. زیرا به طور قطع می‌دانیم که تمام قرآن به صورت متواتر از رسول خدا (ص) نقل شده است. این از ضروریات و مسلمات تاریخ و دین است. ثانیاً چرا قرآن را از روی پوست، سنگ و سینه‌های مردان جمع‌آوری کردند؟ آنها می‌توانستند به قرآنی مراجعه کنند که کاتبان وحی در روزگار رسول خدا (ص) جمع‌آوری کرده بودند. ... چرا به

مصحف ابن مسعود، ابی بن کعب، علی بن ابی طالب (ع) و یا مصحف شخض زید مراجعه نکردند؟ این مصاحف آماده و در دسترس بود. البته از نظر ترتیب با هم اختلافاتی داشت. چنان که برخی نیز توضیحاتی در حاشیه مصحف خود نوشته بودند.

ثالثاً چرا همان گونه که رسول اکرم (ص) دستور داده بود، قرآن را از این چهار نفر نگرفتند، یعنی از: ابن مسعود، سالم مولای ابوحنیفه، ابی بن کعب و معاذ بن جبل؟ آن حضرت صحابه خود را فرموده بود که اگر می‌خواهند قرآن را تر و تازه همانند هنگام نزول فراگیرند، آن را از پسر ام عبد یعنی عبدالله بن مسعود بگیرند. بر مبنای همین روایات، رسول خدا (ص) ابی بن کعب را قاری‌ترین آنان معرفی کرده بود (عاملی، حقائق‌نامه، ۱۱۱-۱۱۳).

از میان عالمان مکتب امامت، محمد هادی معرفت استناد جمع قرآن را به هر یک از سه نفر (ابوبکر، عمر و زید بن ثابت) درست می‌داند و معتقد است که استناد آن به عثمان هم از باب یکی ساختن مصاحف درست تواند بود (معرفت، ۲۸۵/۱). وی جمع قرآن را یک واقعه تاریخی می‌داند که البته مستند آن روایات و متون تاریخی است. مبنای این دیدگاه، نزول تدریجی قرآن است که تا آخرین روزهای زندگی رسول اکرم (ص) ادامه داشت. در حالی که باید این محقق ارجمند و صاحبان دیدگاه مذکور به این نکته هم توجه داشته باشند که راوی جمع و تدوین قرآن در روزگار رسول خدا (ص) همین زید بن ثابت است که معتبرترین روایت مورد استناد آنان از وی نقل شده است. چنان که چند روایت هم از فرزندش خارجه آمده که به نظر می‌رسد برای تعظیم و بزرگنمایی شخصیت پدر از جاده صواب فاصله گرفته است.

از سوی دیگر اگر بخواهیم این دیدگاه را بپذیریم، با توجه به چگونگی پذیرش آیات

۱. این کتاب با نام: پژوهشی نو درباره قرآن کریم به وسیله نویسنده مقاله ترجمه و توسط نشر هماهنگ در سال ۱۳۷۴، در تهران منتشر شده است.

قرآنی از صحابه در جمع مورد نظر، که دو نفر شاهد عادل را در اثبات قرآنی بودن آن کافی دانسته و حتی خزیمه بن ثابت انصاری معروف به ذوالشهادتین را به تنهایی در اثبات آیات به منزله دو نفر گرفتند، لاعلاج ناگزیر خواهیم شد که بحث تواتر در اثبات قرآن را به کناری نهیم و کلام خداوند را با اخبار آحاد اثبات کنیم. در حالی که صاحب نظران را همگی عقیده بر آن است که قرآن به صورت متواتر از رسول خدا (ص) به ما رسیده است (در این باره بنگرید: ابوزهره، ۴۷؛ عاملی، حقائق هامة، ۱۱۱).

اشکال عمده دیگر این است که اگر این دیدگاه را بپذیریم و معتقد شویم که حتی در روزهای پایانی زندگانی رسول خدا (ص) قرآن به صورت کامل جمع آوری و تدوین نشده بود، پس چگونه آن حضرت بر پایه روایات متواتر که در کتب معتبره دو مکتب: امامت و خلافت آمده، در حدیث ثقلین فرمود: **انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا ابداً**. آیا مردمان را فرمود که به کتابی تمسک جویند که در سینه مردمان محفوظ است؟! مگر قرار بود این حافظان عمر جاودان کنند که مردم به آنان مراجعه نموده به قرآن محفوظ در سینه آنان تمسک ورزند؟!

تذکر یک نکته دیگر خالی از فایده نیست: مطابق روایات تاریخی، مصحفی که زید برای ابوبکر نوشت، نزد خلیفه بود و پس از او به خلیفه دوم رسید تا اینکه او هم از دنیا رفت. آنگاه نزد دخترش حفصه ماند تا روزگاری که عثمان به توحید مصاحف پرداخت. مطابق روایات، خلیفه این مصحف را از حفصه امانت گرفت و به عنوان یکی از منابع یکی کردن مصاحف به زید بن ثابت سپرد و پس از آنکه وی کار خود را به پایان رساند، مصحف مذکور را به دختر خلیفه دوم باز گرداند. وقتی حفصه در سال ۴۵ هجری از دنیا رحلت کرد، مروان بن حکم مصحف او را به دست آورد و از بین برد. به این ترتیب معلوم می شود که مصحف مورد ادعا از خلافت ابوبکر (۱۱-۱۳ هـ) تا خلافت عثمان (۲۳-۳۵ هـ) مورد استفاده قرار نگرفته است. پرسش اصلی این است: اگر این مصحف، نخستین مصحف کامل

قرآن بود و پیش از آن، هرگز قرآن جمع و تدوین نشد، مسلمانان قرآن را بر چه اساسی می‌خواندند؟ آیا فقط به حافظه قاریان و حافظان مراجعه می‌کردند که اندک بودند و از صحابه به شمار می‌رفتند؟! اگر مصحف ابوبکر مورد مراجعه بود، می‌بایست پس از عمر، به عثمان می‌رسید تا لااقل دستگاه حکومت از آن استفاده کند و البته بر مبنای آنچه گذشت، این کار هم صورت نگرفت.

صاحبان این اندیشه در بحث از فلسفه انتخاب زید بن ثابت انصاری برای انجام این مأموریت مهم در جمع و تدوین قرآن، از جمله دلایل عمده و مهم خود، «کاتب دایمی بودن زید» را عنوان کرده تصریح نموده‌اند که علاوه بر «شهرت علمی و فقهاتی»، «او از کاتبان وحی دایمی پیامبر (ص) بود، و از کسانی نبود که فقط یک یا دو بار وحی را نوشته بودند، و لقب کاتب وحی بر آنان تشریفاتی بود... او از کسانی بود که قرآن را حفظ کرده و در سینه خود جمع‌آوری نموده بود» (ابوزهرة، ۴۸). این تصریح، اعتراف آشکاری است بر این که جمع و تدوین قرآن در روزگار ابوبکر برای نخستین بار نبوده است.

ب. جمع و تدوین قرآن در عصر رسول خدا (ص)

دیدگاه دوم که عمده اندیشمندان طرفدار آن عالمان مکتب امامت هستند و البته که شماری از دانشمندان مکتب خلافت هم در جمع آنان حضوری قابل تأمل دارند، بر این عقیده‌اند که به موجب دلایل و شواهد فراوان، قرآن کریم در عصر رسالت و زیر نظر شخص رسول خدا (ص) جمع‌آوری و تدوین شده است و هنگامی که آن حضرت از دنیا رحلت فرمود، علاوه بر مصاحف شماری از صحابه، یک مصحف کامل در خانه آن حضرت موجود بود. از جمله دانشمندان قرآن پژوه که در دوره‌های مختلف بر این نکته تأکید ورزیده‌اند و اصرار دارند که قرآن در زمان حیات رسول خدا (ص) گردآوری شده است، می‌توان از این افراد نام برد: خازن و زرقانی (تک. عاملی حقائق هامة، ۶۳)، زرکشی (تک. زرکشی، ۱/ ۲۳۸-۲۴۰)، ابن حجر عسقلانی (۹-۱۰)، شیخ حر عاملی (الفصول المهمة، ۱۶۶)، سید بن

طاووس (اجوبه موسی جارالله، ۲۹-۳۰)، سید شرف الدین عاملی (نک شرف الدین، ۱۶۶)، سید مرتضی عسکری (القرآن الکریم و روایات المدرستین)، سید محمد باقر حجتی (۲۳۱-۲۳۲)، سید جعفر مرتضی عاملی (حقائق هامة حول القرآن الکریم، و ترجمه آن: پژوهشی نو درباره قرآن کریم، ۶۲-۹۷)، محمود رامیار (۲۸۱).

دکتر محمد حسین صغیر از قرآن پژوهان معاصر، تصریح دارد که «کاوش علمی بیانگر این واقعیت است که همه قرآن در عصر پیامبر (ص) نوشته و گردآوری شده است. ابن حجر نیز همین نظریه را برگزیده است» (۸۷-۸۵).

در اثبات این دیدگاه می‌توان به دلایل و شواهدی از قرآن و روایات استناد نمود. چنان که نباید استدلال‌های عقلی را نیز در اثبات مدعای خویش از نظر دور داشت. در اینجا به شماری از این دلایل و شواهد اشاره می‌کنیم:

۱. جایگاه ویژه قرآن

اسلام آخرین شریعت توحیدی است که همه شرایع پیشین را نسخ نموده و پس از آن نیز هرگز شریعت جدیدی از سوی خداوند نخواهد آمد. در آیات قرآن، رسول خدا (ص) به عنوان پایان بخش رسولان: خاتم الانبیاء، معرفی شده است:

ما کان محمد ابا احد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین (الاحزاب: ۴۰).

قرآن کتاب آسمانی پیغمبر (ص) است که از طریق وی بر او نازل شده است و از سویی معجزه جاودانی آن حضرت که تعالیم و آموزه‌های اصلی و اساسی شریعت اسلامی در آن آمده است. بنابراین نمی‌توان پذیرفت که رسول خدا (ص) فقط به حفظ آن در سینه مردانی در معرض خطرات فراوان بسنده کرده کتاب خدا را به صورت پراکنده رها ساخته باشد و هیچ گونه اقدامی در تدوین و جمع آن در یک مجموعه قابل استفاده و در دسترس همگان انجام نداده باشد. چنین تصویری باطل و از دیدگاه خردمندان مردود است.

البته باید توجه داشت که جمع و تدوین قرآن در یک مجموعه نافی دیگر اقدامهایی که

در جهت حفظ و قرائت قرآن صورت می‌گرفت، نخواهد بود. مطابق روایات تاریخی مسلم است که رسول خدا (ص) اهتمام وافری برای حفظ قرآن داشت و بر حسب سنت کهن و عادت رایج مردم عرب، پیروان و یاران خود را برای حفظ کلام خداوند در سینه‌ها مهیا می‌دید. از این رو در مراحل نخست دعوت در کنار گروه کاتبان وحی که به نگارش و کتابت قرآن مشغول بودند، هم از آنان و دیگر یاران می‌خواست تا قرآن را حفظ کنند و البته گاه و بیگاه به نوای دلنشین قرائت آنان گوش می‌داد تا علاوه بر نظارت بر حفظ دقیق آن تلاوت قرآن را از زبان دیگران بشنود (ابن ابی داود، ۱۳۷؛ مفتاح کنوز السنه، ۳/۳۹۹). اهتمام وافر آن حضرت در آموزش قرآن و مأموریت‌های قرآنی اصحاب نشان از اقدامات چند جانبه پیغمبر (ص) و یاران در جهت گسترش فرهنگ قرآن و حفظ و حراست آن از هر گونه دستبرد است (در این باره بنگرید: سپهری، ۳۲-۷).

۲. عرضه قرآن

روایات موجود دلالت دارد که رسول خدا (ص) سالی یک بار قرآن را با جبرئیل عرضه می‌کرد تا این که در سال آخر، دو بار عرضه شد. پیغمبر (ص) این اتفاق را نشانه آن دانست که سال دیگر در قید حیات نخواهد بود. بنابراین می‌بایست قرآن به صورت کامل در یک مجموعه گرد آمده باشد تا عرضه آن امکان‌پذیر باشد. تصور این که منظور از عرضه قرآن، محفوظات نهفته در سینه شخص رسول خدا (ص) بوده است با واقعیات تاریخی سازگاری ندارد و حضور برخی از اصحاب در عرضه قرآن بی‌معنا می‌شد. چنان که در روایات آمده که عبدالله بن مسعود شاهد آخرین عرضه قرآن بوده است و بر همین اساس آیات ناسخ و منسوخ را می‌شناخت (ابن سعد، ۲/۱۰۴). حتی شماری از یاران هم قرآن را به رسول خدا (ص) عرضه کرده‌اند؛ از جمله: علی بن ابی طالب (ع)، عثمان بن عفان، ابی بن کعب، عبدالله بن مسعود، زید بن ثابت، ابودرداء و ابوموسی اشعری (زرکشی، ۱/۲۴۳).

۳. اهتمام ویژه رسول خدا (ص) به قرآن

روایات فراوانی به ما رسیده که نشانگر اهمیت فوق‌العاده‌ای است که رسول خدا (ص) به کتاب پروردگارش مبذول می‌داشت. از جمله امام علی (ع) از رسول اکرم (ص) روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هر که قرآن بخواند تا آن را حفظ نماید، خداوند او را وارد بهشت کند و شفاعتش را در مورد ده نفر از افراد خانواده‌اش که باید به جهنم بروند، بپذیرد» (متقی هندی، ۱/۴۷۷).

چگونگی ابلاغ و آموزش آیات قرآن پس از نزول، و نیز بیان جای هر آیه و سوره به کاتبان وحی دلیل دیگری بر عنایت خاص رسول خدا (ص) به امر قرآن تواند بود. از جمله عبادة بن صامت، یکی از انصار بیعت کننده با پیغمبر (ص) در عقبه منی، می‌گوید: «هر گاه مردی هجرت می‌کرد، پیامبر (ص) او را به یکی از ما (صحابه) می‌سپرد تا قرآن را به او تعلیم دهد و همواره در مسجد رسول خدا (ص) در اثر تلاوت قرآن، همه‌ای بر پا بود تا آنجا که حضرت دستور داد به منظور پرهیز از به اشتباه انداختن یکدیگر، قرآن را با صدای آهسته‌تری تلاوت کنند» (کاندملوی، ۳/۲۶۰).

چنان که اعزام مصعب بن عمیر با نخستین انصار مسلمان به یثرب به منظور آموزش قرآن و احکام دین به نومسلمانان این شهر، (طبری، ۲/۹۰) از همین اهتمام پیغمبر (ص) به قرآن حکایت می‌کند. به گزارش محمد بن سعد (ابن سعد، ۸/۸۹) رسول خدا (ص) فرمان داد که از میان مسلمانان کسی که بیش از دیگران قرآن را فرا گرفته یا جمع‌آوری کرده یا بیش از سایر یاران، اهل قرائت و تلاوت قرآن است، نمازشان را امامت و برایشان امیری کند.

۴. گروه کاتبان وحی

از مسلمات تاریخی است که رسول خدا (ص) نویسندگانی داشت که فقط قرآن

می‌نوشتند. آنان که به وسیله شخص آن حضرت به این مأموریت مهم منصوب می‌شدند، به کاتبان وحی شهرت دارند. مورخان نام این گروه را آورده و برخی تا چهل و دو نفر از آنان را بر شمرده‌اند. (فتوح البلدان، ۶۶۲؛ التراتب الاداریه، ۱۱۶/۱-۱۱۷؛ تاریخ القرآن، زنجانی، ۴۲؛ تاریخ القرآن، شاهین، ۵۴-۵۳) کار بدین ترتیب بود که پس از نزول وحی و ابلاغ عمومی آیات به همه مسلمانان حاضر، رسول خدا (ص) به کاتبان وحی املا می‌کرد و با تعیین جای هر آیه، نظارت دقیقی بر ثبت درست آن به وسیله کاتبان اعمال می‌فرمود. به روایتی در این باره توجه کنید:

زید بن ثابت انصاری می‌گوید: «من همواره وحی را برای رسول خدا (ص) می‌نوشتم و چنین بود که هر گاه وحی نازل می‌شد، آن را در شرایط شدید دریافت می‌کردم... سپس من تکه استخوانی می‌آوردم و در حالی که پیغمبر (ص) املا می‌کرد، می‌نوشتم... چون از نوشتن فارغ می‌شدم، پیامبر (ص) می‌فرمود: بخوان. من می‌خواندم. چنانچه مطلبی یا چیزی جا افتاده بود، آن را تصحیح می‌کرد؛ آن گاه آن را برای مردم بیرون می‌برد» (مجمع الزوائد، ۱۰۲/۱). چنان که روایت شده: «جبرئیل همواره می‌گفت این (آیه یا سوره) را در فلان جا قرار دهید» (سیوطی، ۶۲/۱).

برخی چون سید جعفر مرتضی (پژوهشی نو، ۷۵) را عقیده بر آن است که کتابت وحی از دوران مکه آغاز شد. وی بر درستی عقیده خود به داستان مسلمان شدن عمر بن خطاب اشاره می‌کند که ابن حجر هیثمی (۶۳/۹) آورده است. مطابق این نقل خلیفه دوم در خانه خواهرش دو صحیفه پیدا کرد که در آنها بخشی از قرآن نوشته شده بود و چون آیات مکتوب را برایش خواندند، مسلمان شد.

۵. مصحف پیامبر (ص)

بر اساس برخی روایات، در پشت رختخواب رسول خدا (ص) نسخه‌ای از قرآن وجود داشت که آن را روی شاخه‌های خرما، حریر و استخوان نوشته بودند (سیوطی، ۵۸-۵۷/۱).

پیامبر اکرم (ص) به امیر المؤمنین علی (ع) فرمان داد که آن را برگرفته و گردآوری نماید. به عقیده برخی (عاملی، پژوهشی نو، ۷۷) این همان مصحفی است که حضرت علی (ع) آن را در پارچه‌ای از حریر زرد جمع و در خانه‌اش آن را مهر و موم کرد و فرمود: ردا نپوشم تا قرآن را تدوین کنم. چنان که در روایتی از امام علی (ع) است که فرمود: «آیه‌ای از قرآن بر رسول خدا (ص) نازل نشد مگر این که قرائت آن را به من آموخت و آن را به من دیکته کرد و من با خط خودم نوشتم و رسول خدا (ص) تأویل، تفسیر، ناسخ و منسوخ آن را برایم بیان فرمود» (مجلسی، ۵۲-۴۸/۸۹).

۶. گروه قاریان

در عصر رسالت، شماری از اصحاب رسول خدا (ص) به عنوان قاری شهرت داشتند. در برخی روایات از آنان نام برده شده است. چنان که در میان مهاجران افراد زیر به قاری شهرت داشتند: خلفای چهارگانه، طلحه، سعد بن ابی وقاص، عبدالله بن مسعود، حذیفه بن یمان، ابوهریره، عبدالله بن سائب، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عباس و عبدالله بن عمرو بن عاص.

از صحابه زن نیز این افراد قاری خوانده می‌شدند: عایشه، حفصه و ام سلمه از همسران رسول خدا (ص). از انصار، فضالة بن عبید و مسلمة بن مخلد را نام برده‌اند (سیوطی، ۷۲/۱). این نیز تواند شاهی باشد که قرآن در عصر رسول خدا (ص) به صورت کتابی درآمده بود که ابتدا و انتهای آن معلوم بود و قاریان از روی آن قرائت می‌کردند و الا اگر از حفظ، کتاب خدا را می‌خواندند، می‌بایست با عنوان حافظان از آنها یاد می‌شد نه قاریان.

۷. گردآورندگان قرآن در عهد رسالت

بنا به تصریح شماری از مورخان، گروهی از یاران پیامبر (ص) در عصر رسالت، قرآن را

جمع‌آوری کرده‌اند. آنان خود، به صراحت اعلام نموده‌اند که ما در عهد پیغمبر (ص) قرآن را گرد آوردیم. چنان که برخی به جمع همه و شماری نیز به جمع بخشی از قرآن تصریح نموده‌اند. مسلم است که منظور از جمع قرآن، معنایی در قبال تفرقه و پراکندگی است. چه می‌دانیم که قرآن علاوه بر نزول دفعی، به تدریج و در مناسبت‌های مختلف به صورت پراکنده بر رسول خدا (ص) فرود آمده است. در این میان گروهی از صحابه، نزول آیات را پیگیری می‌کردند و هرگاه آیه یا سوره‌ای فرود می‌آمد، آن را تحت نظر رسول خدا (ص) در جای خود قرار می‌دادند.

تصور نمی‌توان کرد که منظور از این جمع، سپردن آیات قرآن به حافظه بوده است. چه شمار حافظان صحابه بیش از آن است که بخواهیم آنان را در گروه معینی خلاصه کنیم. فی‌المثل گفته می‌شود که بیش از هفتاد نفر از آنان در حادثه ناگوار و تلخ بئرمعونه در راه آموزش قرآن، به شهادت رسیدند (واقعی، ۳/۳۴۶).

عروه در مقام بیان علت گردآوری قرآن در روزگار ابوبکر بر این عقیده است که «شماری از صحابه در یمامه کشته شدند. آنان قرآن را گردآورده بودند» (مقی هندی، ۳۶۳/۲). آنان مصاحف مخصوص به خود داشتند و حتی مصحف برخی از آنان تا صدها سال پس از مرگشان باقی بود. از آن جمله‌اند: امام علی (ع)، ابی بن کعب، زید بن ثابت و عبدالله بن مسعود. در روایات از مصحف عایشه و مصحف حفصه هم نام برده شده است. چنان که خلیفه سوم، برای یکی کردن قرائت قرآن، مصحف حفصه را از او امانت گرفت و آن را مبنای کار خویش قرار داد (مشکل الآثار، ۴/۱۹۳). البته ناگفته پیداست که همه مصاحف، کامل و جامع نبوده‌اند و از لحاظ ترتیب آیات و سوره‌ها یا نقصان یک یا دو سوره با هم تفاوت داشته‌اند. این مطلب در اثبات مدعی ما خدشه‌ای وارد نمی‌کند.

برخی پژوهشگران نام این افراد را با استناد به روایات و اخبار مندرج در متون تاریخی و حدیثی استخراج کرده و از ۲۴ نفر آنان نام برده است (برای نمونه بنگرید: عاملی، پژوهشی نو،

۸. ثواب نگاه کردن به قرآن

روایات و احادیثی از رسول خدا (ص) رسیده که تأکید دارد، نگاه کردن و نگریستن در آیات قرآن ثواب دارد. در اینجا به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم:

ابوسعید خدری از پیامبر (ص) نقل کرده که حضرت فرمود: «چشمانتان را از عبادت بهره‌ای است که باید به آن عطا کنید. پرسیدند: بهره چشم از عبادت چیست؟ حضرت فرمود: نگریستن در قرآن و اندیشیدن در آن...» (فیض کاشانی، ۲/۲۳۱).

انس بن مالک از رسول خدا (ص) نقل کرده که: «کسی که با نظر به مصحف، قرآن را بخواند، از بینائی بهره برده است» (متقی هندی، ۱/۴۷۷).

پسر زبیر از حضرت روایت کرده که فرمود: «کسی که قرآن را از حفظ ختم کند، یا آن را با نگریستن در مصحف به پایان رساند خداوند به پاس این عمل، درختی در بهشت به او عطا کند» (مجمع الزوائد، ۷/۱۶۵).

اگر قرآن جمع و تدوین نشده بود، چگونه پیامبر (ص) مسلمانان را تشویق می‌فرمود که برای نیل به ثواب و اجر الهی، در قرآن بنگرند و در مصحف نظر کنند؟!

۹. ختم قرآن

رسول اکرم (ص) همواره به یاران خویش سفارش می‌کرد که به ختم قرآن همت گمارند. مطابق برخی گزارشها (زرکشی، ۱/۴۷۱؛ سیوطی، ۱/۱۰۴-۱۰۵) هفت یا سه شب برای ختم کل قرآن در نظر گرفته شده بود. چنان که حضرت فرمود: «هر کس قرآن را در مدت هفت روز بخواند، این عمل مقربان است و کسی که آن را در پنج روز قرائت کند، این عمل صدیقان است» (متقی هندی، ۱/۴۶۱). به موجب همین روایت، وقتی درباره ختم قرآن طی سه روز از حضرت پرسش کردند، پیامبر (ص) آنان را از این کار منع فرمود.

از جمله افرادی که قرآن را در حیات رسول خدا (ص) ختم می‌کردند، می‌توان از امام

علی (ع)، عبدالله بن مسعود، و عثمان بن عفان یاد کرد (همو، ۳۷۴/۲). روایت جلال الدین سیوطی، یکی از دانشیان قرآن پژوه، بر این نکته تأکید دارد که ختم قرآن به معنی خواندن آن از ابتدا تا انتها بوده است. در این روایت آمده: «بهترین اعمال نزد خداوند، حال مرتحل است؛ او کسی است که از اول تا آخر قرآن را می‌خواند و چون به جایی برسد، از همان جا ادامه می‌دهد.» (سیوطی، ۱۱۱/۱).

۱۰. نهی از همراه بردن قرآن به سرزمین کفر

به گزارش برخی روایات و اخبار تاریخی، پیغمبر اکرم (ص) از همراه بردن مصاحف به سرزمینهای کفر و شرک نهی فرمود تا مبادا به دست کفار بیفتد. در برخی متون به جای واژه «مصاحف»، واژه «قرآن» آمده است. جلال الدین سیوطی (همانجا، ۱۱۱/۱) و یوسف بن موسی الحنفی (۲۷/۱) قرآن را به همان معنای «مصاحف» دانسته‌اند.

اگر قرآن تا روزگار خلفا فقط در سینه‌ها بود، چنین نهی‌ای بی‌معنا می‌نمود و اصولاً هیچ کس را به اندوخته‌های نهفته در سینه دیگران راهی نیست. از این رو می‌بایست در آن دوره قرآن به صورت مکتوب در آمده باشد تا رسول خدا (ص) یارانش را از همراه بردن مصحف به بلاد کفر و شرک نهی فرماید.

۱۱. واژه «کتاب» در آیات قرآن

در آیات فراوانی از قرآن کریم در معرفی آن واژه «کتاب» آمده است. از جمله می‌توان به آیه‌های زیر اشاره کرد: آیه ۲ سوره البقره؛ آیه ۱ سوره الحجر؛ آیه ۵ سوره الفرقان؛ آیه ۱ سوره النمل؛ آیه ۲ سوره لقمان؛ آیه ۲۹ سوره ص؛ آیه ۳ سوره فصلت؛ آیه‌های ۷۷-۷۹ سوره الواقعة و آیات دیگری که به وضوح و صراحت تمام دلالت دارد که قرآن مکتوب و در یک جا جمع‌آوری بوده است.

واضح است که وقتی پیامبر اکرم (ص) با کافران تحدی می‌کند که اگر می‌توانید ده

سوره مثل قرآن بیاورید (آیه ۱۱ سوره هود) در حالی که سوره هود در مکه نازل شده، لابد قرآن تا آن موقع نوشته و در یک مجموعه مدون و در دسترس مشرکان بوده که قرآن می‌گوید: اگر می‌توانید به کمک هر کس که می‌خواهید ده سوره همتانند این بیاورید... باید مورد دعوی روشن می‌بود تا دعوت به شرک در همانند آوردن درست باشد والا اگر نمی‌دانستند که همه آیات چیست و از همه پیام آگاه نبودند، در این صورت دعوت به مجهول و نامعلوم درست نبود. از این رو قاطعانه می‌توان گفت: دست کم از همان سالهای هشتم و نهم بعثت و سالها پیش از هجرت، قرآن مجموع بوده است.

شاید کسانی این واژه را دال بر کتابت قرآن بدانند و نه جمع و تدوین آن (بنگرید: معارف، ۱۴۳) اما این ایراد نمی‌تواند وارد باشد. زیرا منظور از کتاب، مجموع چیزی است که بین دو جلد قرار دارد و ابتدا و انتهای آن کاملاً معلوم است. چنان که عبدالله بن عباس و محمد بن حنفیه آن را بین الدفتین، مجموعه‌ای بین دو جلد دانسته‌اند (بنگرید: بخاری، باب فضائل القرآن، ۱۶).

۱۲. توصیفی بودن نظم و ترتیب آیات

از آنچه در آیات ۱۰۱-۱۰۲ سوره النحل آمده به صراحت بدست می‌آید که نظم و ترتیب آیات قرآن توقیفی و بر حسب امر خداوند بوده است. در یک مورد رسول خدا (ص) مأمور شد تا جای آیه‌ای را تغییر دهد، این موضوع دستاویزی برای مشرکان قرار گرفت که محمد (ص) آیات را جابجا کرده و از خود در آن دخل و تصرف نموده است. چنان که همین امر باعث تزلزل و فریب خوردن شماری از مسلمانان گشت. (رامیار، ۲۸۳ به نقل از القرآن المجید، ۹۵) حال اگر قرآن ولو به صورت بخشی از آن که تا آن موقع فرود آمده بود؛ در یک جا به صورت مدون فراهم نیامده بود، چگونه چنین حادثه‌ای ممکن بود؟ به روشنی می‌توان دریافت که آیات نازل شده مدتی دست به دست گشته به گونه‌ای که مشرکان هم از آن آگاه بوده‌اند و به هنگام جابجایی آیه‌ای توسط رسول خدا (ص) به گمان خود، بهانه‌ای

برای اشکال و ایراد یافته‌اند. به هر حال لازمه چنین کاری، مرتب و منظم بودن آیات است و این به معنی تدوین و جمع قرآن ولو به صورت جزئی در عصر رسالت آن هم در دوره مکه است.

۱۳. حدیث ثقلین

علاوه بر روایات دال بر وجود مصحف در زمان رسول خدا (ص) که به گوشه‌ای اشاره کردیم، حدیث متواتر ثقلین که در کتب عمده روایی دو مکتب خلافت و امامت آمده، می‌تواند دلیل و شاهد خوبی بر این نکته باشد که لااقل در روزهای پایانی زندگی رسول خدا (ص) قرآن به صورت مدون در دسترس مسلمانان بوده است. مطابق این حدیث، پیغمبر (ص) فرمود:

انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی ما ان تمسکتهم بهما لن تضلوا ابداً. آیا به نظر شما، رسول خدا (ص) پیروان خود را به چیزی حواله می‌دهد که در سینه‌های مردان، شاخه‌های خرما و سنگهای تخت پراکنده است و آنگاه با اطمینان هر چه تمام‌تر بیان می‌فرماید که اگر بدان تمسک جویند، هرگز پس از من گمراه نخواهید شد؟! آیا چنین سفارشی از یک نفر آدم عادی پذیرفته است تا از خاتم پیغمبران (ص) بپذیریم؟! پس باید اقرار نماییم که بر مبنای این سفارش رسول خدا (ص)، قرآن به هنگام بیان این حدیث جمع‌آوری و تدوین شده بود و همگان از آن خیر داشتند و گرنه لازم بود این کتاب سفارشی را از آن حضرت سراغ بگیرند و البته در روایات چیزی وجود ندارد که حتی یک نفر سراغ آن را از پیغمبر (ص) گرفته باشد.

برخی خواسته‌اند بین روایات مختلف جمع و اختلاف موجود را به گونه‌ای برطرف سازند. از این رو برای جمع آوری قرآن مراحل را به شرح زیر (بنگرید: رامیار، ۶۱۲-۶۱۳) بر شمرده‌اند:

۱. به معنی حفظ کردن و به حافظه سپردن و از بر کردن است. از اینجا به آن دسته از

صحابه که قرآن را از حفظ داشتند «حفاظ قرآن» یا «جماع قرآن» و یا جامعان قرآن یعنی جمع‌کنندگان قرآن می‌گفتند. این مرحله اول جمع‌آوری قرآن است.

۲. گاهی جمع به معنی نوشتن بوده است، منتها آیات به صورت پراکنده و متفرق نوشته شده و در یک جلد جمع نشده و بعضی از سوره‌ها نیز مرتب بوده است. این مرحله دوم جمع‌آوری می‌شود.

۳. زمانی هم منظور از جمع و گردآوری، نوشتن قرآن در یک مجموعه با آیه‌ها و سوره‌های مرتب است. این مرحله سوم است که تا مدتی هم ادامه می‌یابد.

۴. وقتی هم به تدوین و گردآوری یک متن و نص مرتب بر حسب قرآنت متواتر رایج، جمع یا گردآوری قرآن گفته‌اند.

و این درست مراحل چهارگانه‌ای است که بر تألیف و گردآوری آیات در یک مجموعه معنی گذشته است.

این را هم توضیح دهیم که منظور از تألیف هرگز نگارش و تصنیف نیست بلکه منظور همان جمع کردن و گردآوری آیات و سوره‌هاست. همان معنی که در لغت به کار می‌رود، و گرنه منشاء و مصدر قرآن که ذات پاک الهی است و هیچ بشری را بدان راهی نیست. آنهایی هم که مرحله اول را یعنی حفظ کردن قرآن را به حساب نمی‌آورند، جمع را سه دوره می‌بینند:

جمع در زمان رسول خدا (ص) را «تألیف» می‌گویند. اقدام ابوبکر را «جمع» می‌نامند و آنچه در زمان عثمان انجام شد «نسخ» یا نسخه‌برداری و تکثیر می‌دانند.

پس، همه جا نمی‌توان جمع را به معنی حفظ گرفت. معنی کلمه بر حسب مورد فرق می‌کند. وقتی علی (ع) ردا به دوش نمی‌گیرد تا قرآن را جمع کند، هرگز نمی‌تواند بدان معنی باشد که به حفظ کردن و از بر کردن قرآن همت گماشته است. بلکه همچنان که تاریخ شاهد است او و بسیاری از صحابه مجموع قرآن را نوشته‌اند. در دوره نبوی هم جمع همین معنی را می‌دهد. یعنی هم حفظ و هم نوشتن و هم گردآوری است.

سیوطی به نقل از حاکم نیشابوری آورده که قرآن سه باره جمع‌آوری شد: اول در حضور پیغمبر (ص) به استناد حدیثی از زید بن ثابت که به شرط شیخین صحیح دانسته است؛ دوم در حضور ابوبکر به استناد روایتی از همان زید که در صحیح بخاری آمده است. حاکم جمع سوم قرآن را در ترتیب سوره‌ها دانسته که به عقیده وی در زمان عثمان واقع شد. مستند وی روایتی از حذیفه بن یمان است که بخاری در کتاب خود آورده است (بگردید: سیوطی/۱-۲۰۲-۲۰۹). محمد ابوزهره (۵۲-۵۱) درباره جمع قرآن پس از پیغمبر (ص) تصریح می‌کند که: جمع زید، نخستین نگارش نبود. زیرا تمام قرآن در عهد رسول خدا (ص) نگارش یافته بود و زید آنها را بازنویسی کرد. بنابراین قطعاً تمام نوشته‌های زید همان چیزهایی است که در دوران رسول الله (ص) نوشته شده بود. در هر حال نمی‌توان چنین تفصیل و نیز مراحل چندگانه فوق را پذیرفت. چنین جمعی بین روایات امکان‌پذیر نمی‌باشد.

درباره جمع سوم قرآن در روزگار عثمان هم باید دانست که به تصریح روایات، اقدام وی که مورد تأیید امام علی (ع) نیز بوده به توحید مصاحف و یکی کردن قرائت آن محدود می‌شد و گردآوری آن از سینه‌های مردان و شاخه‌های خرما و استخوان‌های شانه شتران و گوسفندان نبوده است.

نتیجه

با عنایت و ملاحظه دلایل و شواهدی که تقدیم کردیم، می‌توان با قاطعیت نتیجه گرفت که قرآن مجید در عهد پیامبر اکرم (ص) و زیر نظر و اشراف، و راهنمایی شخص آن حضرت جمع‌آوری گردید. بر این اساس معتقدیم که آنچه به روزگار خلیفه اول نسبت می‌دهند، نه جمع و تدوین قرآن از شاخه‌های خرما و استخوانهای پراکنده در نزد مسلمانان یا محفوظات نهفته در سینه حافظان صحابه بلکه فقط و فقط یک رونویسی صرف برای

دستگاه خلافت بود که بر خلاف شمار فراوانی از یاران پیامبر (ص) اعم از مرد و زن، هیچ کدام از آن دو نفر، مصحف خاصی برای خود نداشت.

آنچه بر این نکته دلالت دارد، محتوای روایت بخاری از زید بن ثابت انصاری درباره جمع قرآن در روزگار ابوبکر است که دیدیم تصریح داشت: مصحف مذکور پس از عمر به دخترش حفصه رسید و نه خلیفه بعدی، عثمان بن عفان؛ علت آن بود که مطابق روایات، عثمان یکی از کاتبان وحی به شمار می‌رفت و همانند بسیاری از صحابه، مصحف ویژه‌ای برای خود داشت و از این بابت از مصحف جدید بی‌نیاز بود.

نکته دوم این است که خواسته‌اند با این ادعا، فضیلت بزرگ جمع و تدوین قرآن کریم را به خلیفه نخست نسبت دهند، آن هم کاری بس بزرگ و مهم که به زعم آنان، حتی رسول خدا (ص) هم از آن غفلت ورزید.

به هر حال، هر چه بخواهند بگویند و برای جمع و تدوین قرآن سه یا چهار مرحله ادعا کنند، از شواهد و دلایل گوناگون، چنان که گذشت، بدست می‌آید که وقتی رسول خدا (ص) از دنیا رفت، قرآن در کنار عترت و یا سنت آن حضرت، در دسترس مسلمانان بود و آنان می‌توانستند به موجب سفارش پیغمبر (ص) با تمسک به قرآن و عترت، و عمل به احکام و تعالیم آن، برای همیشه در جاده هدایت گام بردارند و هرگز گمراه نشوند. نمی‌توان از رسول خدا (ص) انتظار داشت که مسلمانان را به قرآن و عترت سفارش کند و در عین حال چیزی که بتواند به عنوان قرآن به پیروان خود نشان دهد، نداشته باشد.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
- ابن ابی داود سجستانی، المصاحف، ۱۹۳۶ م، قاهره.
- ابن سعد، الطبقات الكبرى، ۱۳۸۸ ق، بیروت.
- ابن حجر هیثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق، بیروت.
- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، دارالمعرفه، بی تا، بیروت.
- ابوزهره، محمد، معجزه بزرگ، ترجمه محمود ذبیحی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰، مشهد.
- ابن هشام، السیره النبویه، .
- کاندهلوی، محمد یوسف، حیات الصحابه، دارالنصر، ۱۳۸۹ ق، قاهره.
- حاجتی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰، تهران.
- حنفی، یوسف بن موسی، المعاصر من المختصر، ۱۳۶۲ ق، حیدرآبادهند.
- حلبی شافعی، السیره الحلبیه، ۱۳۲۰ ق، قاهره.
- خویی، سید ابوالقاسم، البیان، علمیه، ۱۳۹۴ ق، قم.
- رامیار، محمود، تاریخ قرآن، امیر کبیر، ۱۳۶۲، تهران.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، دارالفکر، ۱۴۰۸ ق، بیروت.
- سپهری، محمد، "مأموریت‌های قرآنی"، پژوهش دینی، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۸۴، صص ۳۷-۷.
- سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، امیر

- كبير، ١٣٦٣، تهران.
- شرف الدين، سيد عبدالحسين، *الفصول المهمة في تاليف الامة*، تحقيق عبدالجبار شراره، مجمع التقريب، ١٤١٧ ق.
- همو، اجية موسى جارالله، مطبعة النعمان، ١٣٨٦ ق، نجف.
- صغير، محمد حسين، *تاريخ القرآن*، دفتر تبليغات استاني، ١٣٦٩، قم و: دارالمورخ العربي، ١٤٢٠ ق، بيروت.
- طبري، محمد بن جرير، *تاريخ الامم والملوك*، دارالكتب العلمية، بي تا، بيروت.
- عاملي، سيد جعفر مرتضى، *پژوهشي نو درباره قرآن كريم*، ترجمه محمد سپهرى، نشر هماهنگ، ١٣٧٤، تهران.
- عسكرى، سيدمرتضى، *القرآن الكريم و روايات المدرستين*، المجمع العلمى الاسلامى، ١٤١٥ ق، تهران.
- همو، حقائق هامة حول القرآن الكريم، دارالصفوة، ١٤١٣ ق، بيروت.
- همو، سيرت جاودانه (ترجمه و تلخيص الصحيح من سيرة النبي الاعظم)، ترجمه محمد سپهرى، پژوهشگاه فرهنگ و انديشه اسلامى، ١٣٨٤، تهران.
- فيض كاشانى، ملا محسن، *المحجة البيضاء في احياء الاحياء*، تصحيح: على اكبر غفارى، جامعه مدرسين، ١٣٦٢، قم.
- فضل بن شاذان، الايضاح، دانشگاه تهران، ١٣٥٠، تهران.
- متقى هندی، كنز العمال، ١٣٨١ ق، بيروت.
- مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، دارالوفاء، بي تا، بيروت.
- معارف، مجيد، *درآمدی بر تاريخ قرآن*، نبأ، ١٣٨٣، تهران.
- معرفت، محمدهادى، *تاريخ قرآن*، سمت، ١٣٨٣، تهران.
- واقلى، محمد بن عمر، المغازى، تصحيح مارسدن جونز، دارالكتاب العلمى، ١٤٠٩ ق،



شرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی